

معمای بودجه و آینده نامعلوم

۱-راه سیاست فعلی بین‌المللی یعنی مقاومت در برابر زیاده‌خواهی آمریکسا، صهیونیسم و وهابی‌گری و اقدامات دفاعی در سطح منطقه. به نظر می‌رسد ادامه راه با تحریم‌های روزافزون، قطع مرادوات بانکی، محدودیت‌های جدید صادراتی، مشکل فروش نفت، انتظارات جامعه برای زندگی و معیشت بهتر، نیاز به فقرزدایی، لزوم رسیدگی به محرومان، کم‌شدن قدرت خرید مردم، کم‌شدن درآمد دولت، خروج سرمایه و مهاجرت نخبگان همراه باشد و البته در این فهرست سیل و زلزله و بلایای طبیعی و مشکلات محیط‌زیستی مخاطره‌آمیز برای انسان و کشاورزی لحاظ نشده است. مجلس شورای اسلامی که از مرداد بر سر کار می‌آید، چه نظری راجع به این امور دارد؟ آیا سبک زندگی مردم باید تغییر کند؟

آیا می‌توان جامعه شهری را که امروز به صورت مصرف‌گرا درآمده، به نوعی دیگر تغییر داد (احداث مال‌های متعدد به سبک غربی در کشور ظاهرا برای عدم امکان ایجاد الکوی دیگر است).

بی‌تردید برای تداوم مقاومت باید تمهیدات ویژه را پیش‌بینی کرد و طبعاً این تمهیدات نمی‌تواند حسب امری انبساطی باشد، بلکه لازم است در همه زمینه‌ها سیاست‌های انقباضی پولی و مالی و مصرفی و سبک زندگی کاملاً غیرمصرفانه و صرفه‌جویانه را در پیش گرفت. دولت نیز از هزینه‌های خود بکاهد و برعکس در امر تولید و صادرات به‌صورت ویژه اقدام کند. ممکن است برای دسترسی قاطبه مردم به کالاهای حیاتی مورد نیاز نوعی سهمیه‌بندی دقیق انجام شود و با توجه به آنکه در عداد کشورهای غیرهمکار (لیست سیاه) کارگروه اقدام مالی (FATF) قرار گرفته‌ایم، برای رهایی از آن تلاش لازم است تا راه فعالیت مالی با کشورهای که می‌توانند در مقابل آمریکا ایستدگی کنند، باز شود.

۲- راه دومی که در پیش پاست و می‌تواند در جهت عادی‌کردن اقتصاد جامعه و رفاه و برداشتن تنش اقتصادی و روانی از جامعه وجود داشته باشد، تسلیم به نظرات آمریکاست، برخی فکر می‌کنند می‌توان با ترمیم به یک توافق به‌اصطلاح برد - برد رسید، ولی اعلام ۱۲ شرط آمریکا برای مذاکره نشان می‌دهد آمریکا-خواهان تسلیم بلاشروط ایران است. اتفاقاً ایران با مذاکره با گروه ۵+۱ و امضای موافقت‌نامه برجام عملاً نشان داد اهل گفت‌وگو و تعامل است؛ اما اشتباهی تجاوزگران سیری‌ناپذیر است و نشان دادند که بیشتر تابع نظریات و اهداف خود هستند تا مرادوات مسالمت‌آمیز صلح‌گرایانه.البته نباید انتظار داشت کشورهای خارجی براساس منافع کشور ما کار کنند و حداکثر انتظار از کشورهای مشابه آن است که براساس منافع مشترک کار کنند.

اگر راه اول که مقاومت است و به تبع آن سبک خاص زندگی در ایران باید طراحی شود، کنار گذارده شود و هدف رفاه زندگی و الگوی زندگی غربی باشد، چارهای جز سازش نداریم. اتفاقاً از نظر اجتماعی چنین زمینه‌ای در غفلت یا حتی تعدم مسئولان کشور اتفاق افتاده است.شکاف بزرگ طبقاتی، ایجاد مراکز خرید وسیع و بسیار تشریفاتی و لوکس برای مارک‌های خارجی، آبارت‌های فوق مدرن مجهز به استخر و وسایل اختصاصی، سپرده‌های بانکی کلان درحالی‌که همه آنها در مجموع ۴۰ سال شعار مرگ بر آمریکا پدید آمده است، از تضادهای فکری و انسجام‌ناداشتن تفکر فراگیر برای الگودهی در جامعه و روابط تعریف‌نشده، بخشی از جامعه را آماده پذیرش بخش دوم کرده است. اصرار برخی مسئولان مانند برخی افراد صاحب تریبون در فشار به دولت برای بهبود معیشت مردم (و نه بهبود معیشت محرومان) تمهید به رفاه‌زدگی در جامعه را نشان می‌هد و این در حالی ست که این افراد با محدودیت‌های موجود در کشور آشنایی دارند. به نظر می‌رسد در نهان چنین رفتار و گفتار و تمایل درونی‌ای به سازش و تسلیم با آمریکا وجود دارد و گرنه همه می‌کوشیدند سطح توقع مردم از رفاه را کاهش دهند و برعکس برای ارتقای زندگی محرومان تلاش کرده و آرمان عدالت را در جامعه پیاده کنند و متناسب با تحریم‌ها و محدودیت‌های اعمال‌شده، سیستم کسب‌وکار و تولید و زندگی داخلی را سامان دهند.این‌بار نان مقام معظم رهبری به کمک نوع مدیریت دولت و آرامش کشور به‌ویژه در شرایطی که ویروس کرونا در کشور پای گرفته و بسیاری از کسب‌وکارها و روابط اجتماعی دچار مشکل شده، آمده است. سؤال اینجاست که با اجرای این بودجه چه روندی در پایان سال ۹۹ خواهیم داشت و بودجه سال ۱۴۰۰ با مجلس جدید به چه شکلی بسته خواهد شد. آیا دولت فعلی در آذرماه ۹۹ خواهد بود یا دولت جدیدی حاکم می‌شود. چه دولت فعلی باشد، چه دولت بعدی، چه مجلس اصولگرا باشد یا تغییر ماهیت بدهد، انتظار این‌رود این روند بودجه‌نویسی و تصویب را ادامه دهند و این یعنی ادامه ابهام و سرگردانی‌ها و خالی‌شدن از درون در جامعه. هر که باشد باید از این روند دست بشوید و طریقی نو درآندازد، طریقی که متضمن استقامت، حفظ و بقای ایران هم را لحاظ مرزی و هم سرزمینی باشد، زندگی عادلانه و غیرمصرفانه مردم و رشد و توسعه صنعت و کشاورزی و خدمات. آیا شیرمد یا شیرمدانی می‌توانند پیدا شوند که طرح عملیاتی و کاربردی و به دور از لفاظی و جمله‌پردازی آماده کنند و آیا مجموعه حکمرانی می‌تواند آن طرح فرضی را به اجرا بگذارد؟

مرضیه امیری؛ ویروس کرونا گلوی تمام جهان را گرفته است؛ ویروسی که از ووهان چین برخاست و حالا در کره زمین از منتهالیه راست تا چپ و از شمال تا جنوب در حال چرخیدن است. بسیاری از دولتمردان جهانی را به قرنطینه برده و جمعیت زیادی از فرودستان را به دام مرگ کشانده، بدون هیچ حقوق و دستمزدی از کار بی‌کار کرده و بسیاری از کارگران را هم در محیط‌های پرخطر بالای سرخط‌های تولید نگه داشته است. آمارهای رسمی ایران هرچند به دلیل عدم شفافیت و سابقه محرمانه‌بودن هرگونه اطلاعات اقتصادی و اجتماعی (به‌خصوص در یک سال اخیر) تماماً مورد اعتماد و استناد عموم مردم نیستند، اما همین آمارها به ما می‌گویند روزانه بین هزار تا هزار و ۴۰۰ نفر به تعداد مبتلایان به بیماری کووید-۱۹ اضافه می‌شود. اما کرونا قرار است چه بلایی بر سر زیست این آدم‌ها که با رسم عدد و رقم (اگر به آمار دریابند) به جامعه معرفی می‌شوند، بی‌ورد؟ فشار مضاعف ویروس کرونا بر معیشت توده مردم که پیش از این نیز کاسه صبرشان لبریز شده بود، آن‌قدر که دستمزد ارزان آن از پس گرانی و تورم برنمی‌آمد، چطور قرار است کمی قرار بگیرد؟ مرکز پژوهش‌های مجلس در سه سناریو پیش‌بینی کرده، تعداد فوت‌شدگان بر اثر کرونا بین هزار تا چهار هزار نفر خواهد بود و برآورد می‌کند، بین صد هزار تا ۲۰۰ هزار نفر در این مدت بی‌کار خواهند شد. در تمامی جوامع در هنگام بروز بحران‌هایی مانند سیل، زلزله یا این‌بار ویروس کرونا این دولت‌ها هستند که در نقش حاکمیتی خود حافظ جان و به‌داحقل‌رساندن آسیب‌های حاصل از آن هستند. اما در سه هفته اخیر و بعد از اعلام شیوع ویروس کرونا در ایران، هیچ ابلاغیه‌ای برای حفاظت از نیروی کار به طریقه فوری در برابر کرونا صادر نشده و تنها طرح موجود اعلام‌شده، به‌تعویق‌افتادن پرداخت اقساط وام بود که تاکنون حتی به شکل رسمی به بانک‌ها اعلام نشده و بانک‌ها همان روبه سابق خود را ادامه می‌دهند. حالا رئیس سازمان برنامه‌بودجه از دو بسته معیشتی خبر داده که در نوع اعلام آن می‌توان همین جنبه تزئینی و بدون وجه عملیاتی آن را دید. محدودیاتی‌نویخت (نه با صدور دستورالعمل‌ها و ابلاغیه به دستگاه‌های مربوطه، بلکه در صفحه توییتز خود) گفته است، به سه میلیون نفر فاقد درآمد تا آخر اسفند، بین ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان کمک ماهانه می‌دهیم، اما او نگفته است، محدوده باز ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومانی بر چه اساسی انتخاب و با چه معیاری قرار است توزیع شود. سه میلیون نفر چه کسانی هستند و ضمانت اجرایی این طرح چیست. همچنین او وعده پرداخت وام یک تا دو میلیون‌تومانی به چهار میلیون شاغل آسیب‌دیده را داده است. فارغ از اینکه این مبلغ‌های اعلامی جواب‌گوی کدام هزینه سرسام‌آور بازار کرونازده است، رئیس سازمان برنامه‌بودجه یک‌سری اعداد را کنار هم چیده، بدون اینکه مشخص باشد آیا همین وعده‌ها عملی خواهند شد یا نه؟ یاسر باقری، پژوهشگر حوزه رفاه اجتماعی در گفت‌وگو با «شرق» با تشریح ساختار سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران یک راهبرد نو در این ساختار را به ما معرفی می‌کند. او معتقد است، سیاست‌گذاری اجتماعی از بالا در بحران کنونی نیاز به سرمایه اجتماعی دارد و چون نمی‌توانیم به این امیدوار

اقتصاد

درد بالای از مردم در سیاست حمایتی «دوران کرونا» نادیده گرفته شدند

بندبازی با معیشت

مرکز پژوهش‌های مجلس: ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر بر اثر شیوع کووید ۱۹ بی‌کار می‌شوند



باشیم، باید به تقویت اشکال دیگری از سیاست اجتماعی که افقی و از پایین اتفاق می‌افتد، فکر کنیم و از این منظر به ساختن یک حفاظ امن در برابر کرونا امیدوار باشیم. **از سؤالات مردم تا توصیه‌های مسئولان**
«بروز‌های ایران به چین چرا متوقف نشد؟»، «تاریخ ورود ویروس کرونا به ایران دقیق بود؟»، «آمارها حرف راست را می‌گویند؟»، «شهرهای درگیر چرا قرنطینه نشدند؟»، «قرنطینه اصلاً می‌تواند جلوی سرعت انتقال را بگیرد؟»، «چرا کارگران در محیط کارخانه که خود یک تجمع به حساب می‌آید، همچنان مشغول هستند؟»، «کودکان کار، سالمندان، معلولان و قشرهای در معرض بیماری از چه حمایتی برخوردار شدند؟» و هزاران سؤال دیگر در روزهای کرونازده امروز، سرمان را اگر میان حرف‌های توده مردم بگردانیم و به آن گوش کنیم، پژواک چنین پرسش‌هایی را می‌شنویم که می‌رود و برمی‌گردد، بدون اینکه پاسخی دریافت کند. مسئولان دولتی از این می‌گویند که نگران نابینش و به مردم اطمینان می‌دهند که «کرونا را شکست می‌دهیم» و قرار بود شنبه‌ای که گذشت، زندگی به حالت عادی، مانند قبل بازگردد. اما این اطمینان‌خواطره چه نتوانست اندکی از دلهره و هراس مردم در کوران حقیقت سرعت و گستردگی ویروس کرونا کم کند. مرکز پژوهش‌های مجلس در سه سناریو پیش‌بینی کرده، بین هزار تا چهار هزار نفر فوت‌شده ناشی از ویروس کرونا خواهیم داشت و وضعیت بحرانی کرونا بین صد هزار تا ۲۰۰ هزار نفر را بی‌کار خواهد کرد. با سناریوهای چیده‌شده از سوی این نهاد، ۷۰۰ میلیارد تا هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان بار مالی بر دوش صندوق بازنشستگی خواهد افتاد؛ صندوقی که همین الان هم به دلیل بحران مالی، با معوقات مستمری بسیاری همراه است. میانگین سن افراد فوت‌شده ناشی از بیماری کرونا حدود ۵۰ سال است. از سوی دیگر سن بازنشستگی در ایران برای مردان ۶۱ ساله و برای بقیه ۵۵٫۳ سال است. بنابراین محاسبات مرکز پژوهش‌های مجلس گفته است، افراد فوت‌شده به طور میانگین باید در انتهای سال ۱۴۰۳ بازنشسته می‌شدند، اما بیماری کرونا موجب شد که پنج سال زودتر از موعد مقرر تعهد در برابر حقوق آنها

زمینه‌ای با کمبود امنیت غذایی، بدن ضعیفی دارند و مقاومت آنها در برابر بیماری کم است. اینها کاملاً بیرون از بازی سیاست‌ها و توصیه‌های مسئولان هستند. شامی که از سوی دولت در روزهای کرونا مورد خطاب قرار می‌گیرد، این گروه نیستند. مصداق‌های زیادی از اینها را هر کسی می‌تواند در اطرافش ببیند که چگونه همین حذف‌شدگی از سیاست اجتماعی دولت در برابر کرونا، ترس و هراس مضاعفی در دلشان انداخته است. گروه سوم هم کسانی هستند که ماهیت شغلشان به‌گونه‌ای بوده که حقوق ماهانه مشخصی ندارند، روزمزد هستند، پورسانتی کار می‌کنند یا طبقه متوسط رو به پایین که به‌نوعی پایان سال برای آنها منبع درآمدی اصلی بوده، این گروه‌ها حتی خطاب دولت هم قرار نمی‌گیرند. همه توصیه‌هایی که از سوی دولت می‌شود برای گروه‌هایی فراتر از اینها هستند؛ گروه‌هایی که برای سیاست اقتصادی دولت ثرم تلقی می‌شوند و سیاست‌هایی مانند معافیت و تعویق مالیاتی و حتی تعویق پرداخت اقساط وام برای آنها در نظر گرفته می‌شود. توجه کنیم طبق آمار وزارت کار، حدود ۶۰ درصد خانوارهای ایرانی تا به‌حال وام بانکی دریافت نکرده‌اند. باقری ادامه می‌دهد: «ما بافت و ساختار طبقاتی یا تمایزات اجتماعی جامعه را خوب نمی‌شناسیم وگرنه اگر یک نقشه جدی داشتیم، می‌توانستیم متناسب با آن رفتار کنیم و به‌همین دلیل به تساهلات شما، به این سؤال منفی است و این فقط یک نمونه از جمعیت‌هایی است که در میان سیاست اجتماعی (اگر بتوان نام سیاست فعلی دولت در برابر کرونا را سیاست اجتماعی گذاشت) حذف شده‌اند؛ کودکان کار، زنان باردار، بی‌ثبات‌کاران و روزمزد‌ها، دست‌فروش‌ها و بسیاری طبیف‌های دیگر از کسانی که با توجه به پایگاه معیشتی‌شان، در طبقه فرودست قرار می‌گیرند، از دایره سیاست‌های شکست کرونا دولت، طرد شده‌اند و به قول یاسر باقری، پژوهشگر حوزه رفاه اجتماعی، حتی خطاب هم قرار نمی‌گیرند.یاسر باقری سیاست اقتصادی دولت در وضعیت روزهای کرونایی را از سه منظر تحلیل می‌کند. «وضعیتی که ما با آن روبه‌رو هستیم، این است که هسته‌های ضعیف‌تر و سرمایه اجتماعی پایین است، با این وضعیت اگر نگوئیم مداخله‌ای که جور امتناع سیاست اجتماعی هستیم، می‌توانیم بگوئیم با مشکل جدی در سیاست‌گذاری اجتماعی مواجه هستیم و در کوتاه‌مدت نمی‌توانیم امیدوار باشیم که در سرمایه اجتماعی به‌شکل عمودی تغییر اتفاق بیفتد. ولی شاید فرصتی باشد، سرمایه اجتماعی به شکل افقی (از پایین و در میان توده مردم با توجه به مشکل مشترکی که دارند) شکل بگیرد. رخداد چنین موقعیتی فقط و فقط یک امیدواری است که ذهن ما را در برابر اشکال دیگر سیاست‌گذاری از پایین حساس می‌کند و می‌توانیم به آن فکر کنیم».

ایجاد یک بند در برابر کرونا

باقری یکی دیگر از کارکردهای اساسی سیاست‌گذاری اجتماعی را این‌طور معرفی می‌کند که باید به افرادی توجه کنند که در مخاطره و خارج از ثَرم و الگوی معمول سیاست‌گذاری هستند. «سالمندان و کسانی که در سن جوانی نیستند، بخش جدی این گروه‌ها را شکل می‌دهند. همچنین کسانی‌که به‌دلیل بیماری‌های با

سه ماه به تعویق بیندازند. در روز بعد از این حرف همتی، پیمان قربانی در گفت‌وگو با مهر، خبر داد: فقط وام‌های قرض‌الحسنه افراد مانند تسهیلات ازدواج و نیز تسهیلات دریافتی از سوی صاحبان کسب‌وکارهایی که به دلیل شرایط ناشی از شیوع ویروس کرونا با آسیب مواجه شده‌اند و مصداق آن به تصویب کمیته منتخب دولت رسیده است، به شرطی که بدهی آنها تا تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۱ در طبقه جاری قرار داشته باشد. می‌توانند اقساط سه‌ماهه اسفند ۱۳۹۸ و فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹ را پس از پایان دوره بازپرداخت اقساط پرداخت کنند؛ بنابراین طبق مصوبه شورای پول و اعتبار، سایر وام‌هایی نظیر وام مسکن، وام خودرو و وام خرید کالا مشمول این مصوبه نبوده و روال طبیعی خود در بازپرداخت اقساط را خواهند داشت. وی ادامه داد: کسانی که می‌خواهند از این مزایا استفاده کنند، باید بدهی‌شان به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی تا تاریخ اول دی‌ماه سال ۱۳۹۸ در طبقه جاری قرار داشته باشد. بنابراین کسانی که جزء مشتریان خوش‌حساب بانکی نبوده و در گذشته نیز اقساط خود را پرداخت نکرده و تسهیلات آنها غیرجاری شده است، نمی‌توانند از این مزایا استفاده کنند. بنابراین حرف همتی مبنی بر مشمولیت همه وام‌های قرض‌الحسنه نقض شد. البته پیش از این هم زمانی که برخی اظهارات موضوع حذف وام مسکن از تعلیق پرداخت اقساط را افزایش داده بود، محمد اسلامی، وزیر راه و شهرسازی، در گفت‌وگو با مهر، این موضوع را شایعه خوانده و گفته بود: «از اساس کذب است».

تصمیمی برای بانک؛ رسالت و قرض‌الحسنه مهر ایران

مینم خسروی، کارشناس مرکز پژوهش‌ها، در پاسخ به این سؤال که چرا چنین تبعیضی صورت گرفته و برخی وام‌ها مشمول تعویق نشدند، می‌گوید: به نظر من این اقدام در راستای گذاشتن سقفی برای تسهیلات اشخاص حقیقی است؛ آنها انواع خاصی از تسهیلات را انتخاب کرده‌اند زیرا اگر برای سه ماه تمام تسهیلات را به تعویق بیندازند، به این معناست که سه ماه تمام ورودی منابع بانک‌ها منجمد

شود. در نهایت بانک دچار مشکل شده و در آخر مجبور به استقراض از بانک مرکزی می‌شود. اگر تمام وام‌ها را مشمول شود جریان نقد بانک‌ها دچار مشکل می‌شوند. بنابراین چند روش پیش‌پای آنان وجود داشت؛ یکی اینکه فرضاً اقساط

بالتر یا کم‌تر از دو میلیون تومان را به تعویق بیندازند. روش دیگر این بود که بر اساس نوع قرارداد تسهیلات اقساطی از انواع تسهیلات را به تعویق بیندازند،

او با اعتراض به شکل اطلاع‌رسانی نادرستی و نامتمرکز مسئولان در این باره می‌افزاید: ابتدا اعلام کردند تمام تسهیلات قرض‌الحسنه و بعد مجدد خبر آمد

که فقط قرض‌الحسنه ازدواج را ف شامل می‌شود. آقای همتی گفته بودند تمام تسهیلات قرض‌الحسنه به تعویق بیفتد اما به نظر من از این جهت در آن تجدیدنظر

وام‌های قرض‌الحسنه شود.

امکان رصد بودجه و تجهیز مدارس به سیستم گرمایشی

مهسا جهانددیده

● هر سال، زمستان که می‌رسد، زخم برجای‌مانده از بخاری‌های غیراستاندارد مدارس تازه می‌شود که میداد آتش با هم دامن بچه‌های این سرزمین را بگیرد. پس از حوادث تلخ آتش‌سوزی مدارس در درودزن و شین‌آباد، لزوم ایمن‌سازی سیستم گرمایشی مدارس و پیشگیری از حوادث مشابه، دولت را بر آن داشت تا اعتباری مشخص به این موضوع اختصاص دهد. به‌این‌ترتیب، ابتدا در تبصره جزء ۳-۲ تبصره ۳ ماده‌واحد قانون بودجه سال ۱۳۹۲، دو هزار میلیارد ریال از منابع حاصل از عوارض مصرف گاز طبیعی برای تأمین و استانداردسازی سامانه گرمایشی مدارس به وزارت آموزش‌وپرورش اختصاص یافت و در ادامه این روند موضوع اختصاص ۲۰ درصد از عواید ناشی از افزایش عوارض گاز مصرفی مطرح شد.

گزارش دستاوردهای آموزش‌وپرورش در ۴۰ سال جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که درمجموع از سال ۱۳۹۰ تا پایان ۱۳۹۶، ۲۳ هزار و ۷۶۴ مدرسه با ۱۶۹ هزار و ۹۴۴ کلاس درس با اعتباری معادل ۱۱ هزارو ۲۶۶ میلیارد ریال استانداردسازی شده‌اند. با وجود تخصیص پیوسته اعتبار برای استانداردسازی سامانه گرمایشی مدارس، هنوز هم تعداد زیادی از کلاس‌های درس در مدارس فرسوده فاقد سیستم ایمن گرمایشی هستند. در ۲۷ آذرماه ۱۳۹۷، باز هم بخاری‌های غیراستاندارد آتش به‌پا کرد و جان سه نفر از دانش‌آموزان زاهدانی را گرفت. تعداد زیاد مدارسی که هنوز از سیستم نایمن گرمایشی استفاده می‌کنند سبب شده تا در قانون بودجه سال‌های ۹۸ و ۹۹، سهم استانداردسازی سامانه گرمایشی مدارس از محل عوارض گاز مصرفی از ۲۰ درصد به ۵۰ درصد افزایش یابد. آموزش‌وپرورش موظف است با این اعتبار، تأمین و استانداردسازی سامانه گرمایشی صد هزار کلاس درس را انجام دهد.

با توجه به آنچه گفته شد، مشکل نایمن‌بودن سامانه گرمایشی برخی از مدارس کشور چندین‌سال است که شناسایی شده و راه‌حل ساده و روشن ایمن‌سازی با تخصیص پیوسته اعتبار در دستور کار دولت قرار گرفته است. باوجوداین کسب اطلاع از نحوه هزینه‌کرد این اعتبار و میزان برآورد‌ه‌شدن هدف به سادگی ممکن نیست. هرچند مسئولیت ایمن‌سازی سامانه گرمایشی مدارس برعهده سازمان نشده و پیوسته به صورت تبصره‌ای در قانون بودجه ذکر شده است، همچنین تا پیش از بودجه ۱۳۹۹، اشاره به تعداد کلاس‌های درسی که با توجه به اعتبار تخصیص‌یافته باید ایمن‌سازی شوند در قانون بودجه معمول نبوده است. به‌این‌ترتیب، مسئولیت ایمن‌سازی سامانه گرمایشی مدارس عملاً در اسناد بودجه مسئولیتی با هدفی مبهم است و به تناسب این ابهام، رصد و راستی‌آزمایی دستیابی به هدف نیز ممکن نیست.

ندشواری رصد بودجه و برآورد میزان دستیابی به اهداف تعیین‌شده، با توجه به ساختار کنونی بودجه و موافقت‌نامه‌های مبادله‌شده، به طور پیوسته و در موضوعات متعددی نمود می‌یابد. حتی در مواردی که ردیف بودجه‌ای ذکرشده در قانون به صورت دقیق هدف اعتبار تخصیص‌یافته را مشخص می‌کند، نظیر تأمین غذای گرم برای کودکان مهد روستایی، رصد نحوه هزینه‌کرد بودجه به طور شفاف امکان‌پذیر نیست. تفکیک اینکه چه میزان از اعتبار تخصیص‌یافته به‌طور خاص صرف هدف مذکور در ردیف بودجه‌ای موردنظر شده و چه میزان به حقوق و دستمزد کارکنان یا سایر هزینه‌های سازمان مربوطه اختصاص یافته است ممکن نیست.

یکی از مهم‌ترین کاستی‌ها در این زمینه، نبود ارتباط و ازهم‌گسستگی اسناد بودجه و حسابداری است. صندوق بین‌المللی پول رصد کارای منابع دولتی را تنها در صورتی ممکن می‌داند که جایگاه تمامی پرداخت‌های دستگاه در ساختار بودجه و حسابداری به‌طور دقیق و هم‌زمان مشخص باشد. به عبارت دیگر، برای هر یک‌پرداخت دستگاه بتوان مشخص کرد که پرداخت مذکور ۱. در قالب کدام‌یک از امور، فصول، برنامه‌ها و فعالیت‌ها یا خروجی‌های قانون بودجه انجام شده است و ۲. از کدام فصل و زیرفصل هزینه‌ای در اسناد حسابداری صورت گرفته است. علاوه‌براین، درحال‌حاضر تعیین ذی‌نفعان نهایی پرداخت‌های دستگاه برای نهادهای ناظر ممکن نیست. دستگاه صرفاً موظف به رعایت سقف اعتبار تعیین‌شده برای هر موضوع در اسناد بودجه است. اما، به‌رغم وجود اطلاعات افراد حقیقی یا حقوقی دریافت‌کننده اعتبار، ارائه آن در قالب گزارشی قابل تحلیل برای دستگاه الزامی نیست.

با توجه به آنچه گفته شد، درحال‌حاضر اسناد بودجه به نحوی تنظیم می‌شوند که انحراف دستگاه از اهداف تعیین‌شده در بودجه نه‌تنها تخطی از قانون نیست، بلکه در بسیاری از موارد، به دلیل تخصیص ناکامل اعتبارات مصوب و اولویت پرداخت‌های اجتناب‌ناپذیر دستگاه، امری اجتناب‌ناپذیر است. در چنین شرایطی، شناسه‌دارکردن تمامی پرداخت‌های دستگاه‌های دولتی به‌نحوی‌که دستگاه پرداخت‌کننده، جایگاه هر پرداخت در ساختار بودجه و ساختار حسابداری، محل اعتبار پرداخت، مکان جغرافیایی و ذی‌نفع نهایی را مشخص کند، امری ضروری است.

ادامه در صفحه ۵